



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۱، صص ۹۴۹-۹۲۴

سنجش معیشت پایدار در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ابهر

هومن باقری‌وند^{۱*}، وحید ریاحی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Hoomanb492@gmail.com

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

riahi@khu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

چکیده

تحقق توسعه پایدار در سکونتگاه‌های روستایی با چالش‌های ساختاری، اقلیمی و اقتصادی متعددی رو به رو است که بازنگری در الگوهای معیشتی را ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف سنجش وضعیت معیشت پایدار و تحلیل نقش سرمایه‌های پنج‌گانه (طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی) در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ابهر انجام شده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۳۷۰ نفر از ساکنان ۵ روستای منتخب بخش مرکزی شهرستان ابهر (چشین، عباس‌آباد، قفس‌آباد، میمون‌دره و قزلجه) می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۳۰ نفر تعیین و به روش طبقه‌ای-تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت بود که روایی آن توسط اساتید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (بیش از ۰٫۸) تایید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد میانگین سرمایه‌های معیشتی ۲٫۸۵ است که در سطح متوسط یا پایداری شکننده قرار دارد. در این میان، روستای قفس‌آباد با میانگین ۳٫۰۱ پایدارترین و روستای قزلجه با میانگین ۲٫۷۰ ناپایدارترین وضعیت را دارا هستند. نتایج رگرسیون نشان داد سرمایه‌های مالی و فیزیکی به ترتیب با ضرایب بتای ۰٫۳۴ و ۰٫۲۹، بیشترین اثر را در تبیین شاخص کل معیشت دارند. در مقابل، سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی به‌طور معناداری پایین‌تر از سطح مطلوب (عدد ۳) ارزیابی شدند. نتیجه‌گیری کلی بیانگر آن است که معیشت در منطقه در وضعیت «گذرا» قرار دارد و دستیابی به پایداری واقعی مستلزم تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، مدیریت منابع آب و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و انسانی است.

واژگان کلیدی: معیشت پایدار، سرمایه‌های پنج‌گانه، توسعه روستایی، تاب‌آوری، شهرستان ابهر.

بیان مسئله

تحقق توسعه پایدار در سکونتگاه‌های روستایی، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ملی، همواره با چالش‌های ساختاری، اقتصادی و زیست‌محیطی متعددی مواجه بوده است. روستاها علاوه بر نقش حیاتی در تأمین امنیت غذایی، حفظ منابع طبیعی و پایداری اجتماعی، بستر اصلی فعالیت‌های کشاورزی و تولیدات اولیه محسوب می‌شوند. با این حال، طی دهه‌های اخیر، الگوهای سنتی معیشت روستایی تحت تأثیر تحولات گسترده‌ای نظیر تغییرات اقلیمی، نوسانات بازار جهانی، جهانی‌شدن اقتصاد و تغییر ساختارهای جمعیتی قرار گرفته‌اند. این تحولات سبب شده‌اند که مفهوم «معیشت پایدار» به‌عنوان چارچوبی جامع برای تحلیل وضعیت زندگی روستاییان، در کانون توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

مفهوم معیشت پایدار نخستین بار به‌صورت منسجم توسط **Robert Chambers** و **Gordon Conway** (۱۹۹۲) مطرح شد. آنان معیشت را مجموعه‌ای از دارایی‌ها، توانمندی‌ها و فعالیت‌هایی تعریف کردند که افراد و خانوارها برای امرار معاش به کار می‌گیرند. از دیدگاه آنان، پایداری زمانی محقق می‌شود که معیشت بتواند در برابر شوک‌ها و تنش‌ها مقاومت کرده، خود را بازیابی نماید و بدون تخریب منابع پایه، فرصت‌های نسل‌های آینده را حفظ کند. این تعریف، نقطه عطفی در گذار از رویکردهای صرفاً اقتصادی به رویکردهای چندبعدی در توسعه روستایی بود.

در ادامه، **Ian Scoones** (۱۹۹۸) با ارائه چارچوب تحلیلی سرمایه‌های پنج‌گانه، بنیان نظری معیشت پایدار را گسترش داد. بر اساس این چارچوب، سرمایه‌های طبیعی، انسانی، مالی، فیزیکی و اجتماعی، ارکان اصلی نظام معیشتی خانوارها را تشکیل می‌دهند. تعامل پویا میان این سرمایه‌ها، در بستر شرایط آسیب‌پذیری و ساختارهای نهادی، سطح پایداری معیشت را تعیین می‌کند. به‌عبارت دیگر، پایداری معیشت مفهومی ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا و وابسته به ظرفیت سازگاری و تاب‌آوری خانوارهاست.

در سطح جهانی، چالش‌های محیطی و اقتصادی طی دهه‌های اخیر، فشار فزاینده‌ای بر نظام‌های معیشتی وارد کرده است. افزایش دمای جهانی، وقوع خشکسالی‌های مکرر، سیلاب‌ها، کاهش تنوع زیستی و نوسانات قیمت محصولات کشاورزی، ساختارهای معیشتی مبتنی بر منابع طبیعی را آسیب‌پذیر ساخته است. گزارش‌های **Food and Agriculture Organization** (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که وابستگی بیش از حد به کشاورزی تک‌محصولی، یکی از عوامل اصلی شکنندگی اقتصادی روستاییان در کشورهای در حال توسعه است. این سازمان تأکید می‌کند که تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، بهبود زنجیره ارزش و ارتقای مهارت‌های انسانی، از مهم‌ترین راهبردهای کاهش آسیب‌پذیری معیشتی است.

همچنین United Nations Development Programme در گزارش‌های توسعه انسانی، بر نقش سرمایه اجتماعی، مشارکت محلی و حکمرانی کارآمد در ارتقای تاب‌آوری جوامع تأکید کرده است (UNDP, 2006). بر اساس این دیدگاه، جوامعی که از شبکه‌های ارتباطی قوی‌تر، اعتماد اجتماعی بالاتر و مشارکت فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌ها برخوردارند، توان بیشتری برای مقابله با بحران‌ها دارند. بنابراین، پایداری معیشت تنها به سطح منابع مادی وابسته نیست، بلکه کیفیت روابط اجتماعی و نهادی نیز در آن نقش تعیین‌کننده دارد.

در ایران، با توجه به سهم قابل توجه جمعیت روستایی و نقش کشاورزی در اقتصاد ملی، مسئله معیشت پایدار اهمیت دوچندان دارد. طی سال‌های اخیر، کاهش منابع آب زیرزمینی، خشکسالی‌های متوالی، افزایش هزینه نهاده‌های تولید و نوسانات بازار، شرایط اقتصادی روستاییان را پیچیده‌تر کرده است. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۲)، روند مهاجرت از روستا به شهر در برخی استان‌ها افزایشی بوده و کاهش اشتغال در بخش کشاورزی مشاهده می‌شود. این روندها بیانگر آن است که نظام‌های معیشتی سنتی با محدودیت‌های ساختاری مواجه شده‌اند و نیازمند بازنگری و تقویت هستند.

تحلیل‌های موجود نشان می‌دهد که کاهش سرمایه طبیعی، به‌ویژه منابع آب و خاک، یکی از جدی‌ترین تهدیدهای پایداری معیشت در مناطق روستایی ایران است. کاهش این سرمایه نه تنها درآمد خانوارها را کاهش می‌دهد (سرمایه مالی)، بلکه توان سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی (سرمایه انسانی) را نیز محدود می‌کند. در چنین شرایطی، ضعف در سرمایه اجتماعی می‌تواند مانع شکل‌گیری راهکارهای جمعی برای مدیریت منابع شود. بنابراین، تعامل میان سرمایه‌ها می‌تواند چرخه‌ای از تقویت یا تضعیف متقابل ایجاد کند.

استان زنجان، به‌عنوان یکی از استان‌های دارای اقتصاد متکی بر کشاورزی، نمونه‌ای از این چالش‌های ساختاری است. بر اساس گزارش‌های سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان (۱۴۰۱)، بخش قابل توجهی از خانوارهای روستایی استان در فعالیت‌های زراعی و باغداری مشغول‌اند. با این حال، کاهش بارندگی و افت سطح آب‌های زیرزمینی، بهره‌وری تولید را کاهش داده و هزینه‌های تولید افزایش یافته است. در چنین شرایطی، خانوارهایی که فاقد تنوع درآمدی یا دسترسی مناسب به تسهیلات مالی هستند، آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند.

شهرستان ابهر، به‌عنوان یکی از شهرستان‌های مهم استان زنجان، دارای سکونتگاه‌های روستایی متعددی است که اقتصاد آن‌ها عمدتاً بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. تولید گندم، جو و انگور از جمله فعالیت‌های غالب اقتصادی در این منطقه است. با این حال، محدودیت منابع آبی، افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی، ضعف در بازاریابی محصولات و پایین بودن سطح مکانیزاسیون، چالش‌های جدی برای پایداری معیشت ایجاد کرده است. افزون بر این،

کمبود فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی موجب شده است که بسیاری از خانوارها به یک منبع درآمد وابسته باشند؛ امری که در شرایط بروز بحران، ریسک اقتصادی را افزایش می‌دهد.

با وجود اهمیت موضوع، بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات منطقه‌ای، به تحلیل بخشی از ابعاد توسعه روستایی پرداخته‌اند و کمتر مطالعه‌ای به ارزیابی جامع سرمایه‌های پنج‌گانه و طبقه‌بندی نظام‌مند روستاها بر اساس شاخص ترکیبی معیشت پایدار اقدام کرده است. نبود چنین طبقه‌بندی‌ای موجب می‌شود سیاست‌گذاری‌ها به صورت یکنواخت و غیرهدفمند اجرا شوند، در حالی که روستاها از نظر سطح سرمایه‌های معیشتی تفاوت‌های معناداری دارند.

در واقع، پرسش اساسی این است که آیا تمامی روستاهای شهرستان ابهر در یک سطح از پایداری معیشت قرار دارند؟ یا برخی روستاها به دلیل برخورداری از سرمایه اجتماعی یا انسانی قوی‌تر، وضعیت بهتری دارند؟ همچنین کدام یک از سرمایه‌ها بیشترین نقش را در ایجاد تمایز میان روستاها ایفا می‌کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مبنای تخصیص هدفمند منابع، اولویت‌بندی مداخلات توسعه‌ای و تقویت سرمایه‌های ضعیف‌تر قرار گیرد.

بنابراین، خلأ پژوهشی موجود در زمینه ارزیابی جامع و مقایسه‌ای سرمایه‌های معیشتی در سطح روستاهای شهرستان ابهر، ضرورت انجام مطالعه‌ای نظام‌مند را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری معیشت پایدار و تحلیل سرمایه‌های پنج‌گانه، در پی آن است که وضعیت معیشتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ابهر را ارزیابی کرده و آن‌ها را بر اساس سطح پایداری طبقه‌بندی نماید. چنین رویکردی می‌تواند علاوه بر غنای نظری ادبیات توسعه روستایی، مبنایی کاربردی برای سیاست‌گذاری منطقه‌ای فراهم آورد.

مبانی نظری

در ادبیات توسعه روستایی، رویکرد معیشت پایدار (Sustainable Livelihoods Approach) به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین چارچوب‌های نظری برای تحلیل و سنجش وضعیت معیشت جوامع شناخته شده است. این رویکرد، که ابتدا توسط بخش توسعه بین‌الملل بریتانیا (DFID) تعریف و تبیین شد، معیشت را به‌عنوان تعامل پویا میان سرمایه‌ها، راهبردها و نتایج در بستر شرایط آسیب‌پذیری و ساختارهای نهادی معرفی می‌کند، به‌گونه‌ای که افزایش یا کاهش هر سرمایه می‌تواند به‌طور مستقیم بر ظرفیت خانوارها برای مقابله با تنش‌ها و شوک‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی اثر بگذارد (Scoones, 1998; DFID, 1999). پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که این چارچوب فقط منابع مادی را پوشش نمی‌دهد، بلکه به‌صورت تلفیقی توانمندی‌ها، ارتباطات اجتماعی، دسترسی به خدمات و

نهادهای را نیز در تحلیل پایداری معیشت لحاظ می‌کند؛ بدین ترتیب رویکرد معیشت پایدار به‌عنوان یک دیدگاه چندبعدی و پویا برای فهم وضعیت معیشتی در مناطق روستایی اهمیت پیدا کرده است (Yenikalaycı & Kayasu, 2025).

در چارچوب تحلیلی معیشت پایدار، تعامل میان سرمایه‌های معیشتی (Livelihood Capitals) نقش محوری دارد، به‌طوری که این سرمایه‌ها بن‌مایه توانایی خانوارها برای انتخاب راهبردهای معیشتی مناسب و دستیابی به نتایج پایدار را شکل می‌دهند. سرمایه‌های معیشتی معمولاً در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: سرمایه طبیعی، انسانی، مالی، فیزیکی و اجتماعی. این دسته‌بندی نه تنها در ادبیات کلاسیک توسعه مطرح شده، بلکه در مطالعات به‌روز نیز برای سنجش و مدل‌سازی وضعیت معیشت در جوامع روستایی به‌کار رفته است (Yenikalaycı & Kayasu, 2025; Ngamwong et al., 2024).

سرمایه طبیعی به منابع زیست‌محیطی و اکوسیستمی اشاره دارد که پایه فعالیت‌های کشاورزی و تولید غذا را تشکیل می‌دهند. این سرمایه شامل ویژگی‌هایی چون دسترسی به آب، کیفیت خاک، مالکیت زمین و تنوع زیستی است و به‌عنوان بستر اصلی تولید در مناطق روستایی تلقی می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که تخریب یا کاهش سرمایه طبیعی، مانند افت سطح آب‌های زیرزمینی یا کاهش کیفیت خاک، اثرات منفی آشکاری بر سایر سرمایه‌ها - مانند سرمایه مالی یا فرصت‌های درآمدی - دارد و به‌طور مستقیم توانمندی معیشتی خانوارها را تضعیف می‌کند (Ngamwong et al., 2024).

سرمایه انسانی دربرگیرنده مهارت‌ها، دانش، تجربه و وضعیت سلامت اعضای خانواده است، و نقش مهمی در ارتقای توان انعطاف‌پذیری و تنوع درآمدی دارد. سرمایه انسانی قوی می‌تواند به خانوارها کمک کند تا با تنش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی یا نهادی بهتر سازگار شوند و از فناوری‌های جدید، به‌ویژه در بخش کشاورزی، بهره ببرند (Yenikalaycı & Kayasu, 2025).

سرمایه مالی به منابع نقدی، پس‌اندازها، دسترسی به اعتبار رسمی و ابزارهای مالی اشاره دارد که خانوارها را قادر می‌سازد تا هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده و طولانی‌مدت را مدیریت کنند. دسترسی محدود به تسهیلات مالی می‌تواند باعث وابستگی به منابع غیررسمی، افزایش ریسک‌های مالی و کاهش توانمندی در مواجهه با نوسانات درآمدی شود، در حالی که دسترسی به اعتبار و پس‌انداز می‌تواند به افزایش تاب‌آوری و پایداری معیشت کمک کند (Ngamwong et al., 2024).

سرمایه فیزیکی نمایانگر دارایی‌های ملموس نظیر ابزارآلات کشاورزی، تجهیزات تولید، زیرساخت‌های ارتباطی، حمل‌ونقل و خدمات عمومی است. این سرمایه با کاهش هزینه‌های تبادل، تسهیل دسترسی به بازارها و خدمات و

افزایش بهره‌وری فیزیکی تولید، نقش مهمی در ارتقای وضعیت معیشتی به‌عهده دارد. فقدان زیرساخت مناسب، مانند راه‌های ارتباطی یا تأسیسات ذخیره‌سازی، می‌تواند به‌طور نامتناوب بر پایداری معیشت اثر بازدارنده داشته باشد (Yenikalaycı & Kayasu, 2025).

سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اعتماد، مشارکت در نهادها و گروه‌های محلی، حمایت‌های اجتماعی و روابط همکاری متقابل است. سرمایه اجتماعی قوی باعث افزایش توان همکاری جمعی، تبادل اطلاعات، شکل‌گیری گروه‌های حمایتی و افزایش مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود که در نهایت می‌تواند افزایش تاب‌آوری و پایداری معیشت را تسهیل نماید. مطالعات نشان داده‌اند جوامعی با سرمایه اجتماعی بالاتر در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند (Yenikalaycı & Kayasu, 2025).

علاوه بر سرمایه‌های پنج‌گانه سنتی، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که برای فهم کامل وضعیت معیشت در جوامع روستایی باید به سرمایه‌های نهادی، فرهنگی و روان‌شناختی نیز توجه شود، زیرا این مولفه‌ها می‌توانند در شکل‌گیری نتایج معیشتی و راهبردهای مقابله‌ای نقش قابل‌توجهی ایفا کنند. به‌عنوان مثال، ثبات و کارایی نهادهای محلی و سیاست‌های توسعه‌ای، نگرش‌های فرهنگی و ادراکات جمعی می‌توانند در تعیین سطح پایداری معیشت تأثیرگذار باشند (Yenikalaycı & Kayasu, 2025).

برای تحلیل کمی وضعیت معیشت، ادبیات پژوهشی بر عملیاتی‌سازی سرمایه‌ها از طریق شاخص‌های قابل‌سنجش تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که برای هر سرمایه معیشتی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها تعیین و اندازه‌گیری می‌شود تا بتوان اثر آن‌ها را بر نتایج معیشتی (پایداری و تاب‌آوری) تبیین کرد. این شاخص‌ها شامل مواردی چون دسترسی به آموزش و مهارت، وضعیت سلامت، میزان درآمد و پس‌انداز، دسترسی به اعتبار، اندازه زمین کشاورزی، شبکه‌های گروهی اجتماعی، ابزارآلات فیزیکی و دسترسی به خدمات است، که در مطالعات موردی متعدد در کشورهای مختلف به‌کار رفته‌اند و توانسته‌اند تحلیل‌های چندبعدی از پایداری معیشت ارائه دهند (Ngamwong et al., 2024; Composite Index studies).

در مجموع، چارچوب معیشت پایدار به‌واسطه تجمیع سرمایه‌های معیشتی، زمینه‌های آسیب‌پذیری و راهبردهای معیشتی، امکان تحلیل جامع و چندبعدی وضعیت معیشتی در سکونتگاه‌های روستایی را فراهم می‌آورد و مبنایی نظری-عملیاتی برای سنجش پایداری معیشت در شهرستان ابهر ایجاد می‌کند.

جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های معیشت پایدار

| شاخص‌ها | گویه‌ها | شیوه گردآوری |
|----------------|---|------------------------------|
| سرمایه طبیعی | مساحت و کیفیت اراضی قابل کشت، دسترسی به منابع آب برای کشاورزی و مصرف خانگی، میزان توجه به حفظ منابع طبیعی و تنوع زیستی، معادن موجود در نزدیکی روستا، وجود ظرفیت گردشگری در روستا، تعداد دام‌های سبک و سنگین موجود در روستا، وجود مخاطرات طبیعی مثل سیل، زلزله، آفت محصولات و... | پرسشنامه مصاحبه اسنادی |
| سرمایه فیزیکی | دسترسی به جاده‌ها، برق، آب و سایر خدمات اساسی، کیفیت و استحکام مسکن روستایی، دسترسی به ابزارها و ماشین‌آلات کشاورزی، وضعیت سیستم فاضلاب و دفع زباله‌های روستایی، وجود امکانات تفریحی، فرهنگی و ورزشی، دسترسی به خدمات فوریت‌ها مانند آتش‌نشانی، اورژانس، نیروی انتظامی | پرسشنامه مصاحبه اسنادی |
| سرمایه انسانی | میزان سواد و تحصیلات، توانایی‌های فنی و حرفه‌ای موجود در جامعه، وضعیت سلامت جسمی و دسترسی به خدمات بهداشتی، تمایل خانواده‌ها به تحصیل فرزندان، میزان مهارت در فناوری اطلاعات، میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، جمعیت فعال روستایی، نیروی کار ارزان و کارآمد، تعداد افراد با تجربه و ماهر در حوزه کسب و کار شخص | پرسشنامه مصاحبه |
| سرمایه اجتماعی | میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های جمعی و انجمن‌ها، سطح اعتماد بین افراد جامعه، وجود و کیفیت ارتباطات بین فردی و گروهی، سرقت و وجود افراد سابقه‌دار، تنوع قومیتی و زندگی مسالمت‌آمیز قومیت‌ها، | پرسشنامه مصاحبه اسنادی |
| سرمایه مالی | میزان درآمد ثابت و متغیر خانوارها، امکان دسترسی به وام‌ها و تسهیلات مالی، تنوع منابع درآمدی برای کاهش ریسک مالی، نزدیکی بازار برای خرید مایحتاج و فروش محصولات، منبع درآمدی غالب روستا، بیمه افراد، زمین‌ها و محصولات کشاورزی | پرسشنامه مصاحبه |

منبع: حاصل تحقیقات گردآورندگان

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، ادبیات پایداری معیشت روستایی از چارچوب‌های توصیفی اولیه فاصله گرفته و به سمت تحلیل‌های چندبعدی، شاخص‌سازی کمی و مدل‌سازی ساختاری حرکت کرده است. توجه به مفهوم معیشت پایدار به‌عنوان رویکردی جامع برای تحلیل وضعیت زندگی روستاییان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، افزایش چشمگیری یافته است. چارچوب معیشت پایدار (Sustainable Livelihoods Framework) که نخستین بار توسط چمبرز و کانوی (۱۹۹۲) پایه‌گذاری شد، یکی از مهم‌ترین مبانی نظری در این حوزه به‌شمار می‌رود. این چارچوب، معیشت را ترکیبی از دارایی‌ها (سرمایه‌ها)، توانمندی‌ها و فعالیت‌هایی می‌داند که افراد برای ادامه حیات و بهبود شرایط زندگی خود از آن بهره می‌گیرند. این چارچوب بعدها توسط DFID و پژوهشگرانی چون اسکونز (۱۹۹۸) و الیس (۲۰۰۰) توسعه یافت و پنج نوع سرمایه اصلی شامل سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی، مالی و فیزیکی را به‌عنوان ستون‌های معیشت پایدار معرفی کرد.

اگرچه چارچوب معیشت پایدار در دهه‌های گذشته بنیان‌گذاری شد، اما موج جدید پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند این چارچوب را در قالب مدل‌های تجربی قابل‌سنجش عملیاتی کنند. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که ترکیب سرمایه‌های پنج‌گانه با روش‌های آماری پیشرفته مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) می‌تواند روابط علی میان سرمایه‌ها و نتایج معیشتی را آشکار سازد و نشان دهد کدام سرمایه نقش پیشران اصلی در پایداری معیشت دارد (Ngamwong et al., 2024). این مطالعات تأکید می‌کنند که سرمایه‌ها اثرات مستقل ندارند بلکه در یک شبکه تعاملی پویا عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که تقویت سرمایه انسانی بدون پشتیبانی سرمایه مالی یا اجتماعی الزاماً به بهبود پایدار منجر نمی‌شود.

از منظر روش‌شناختی، یکی از تحولات مهم در ادبیات جدید، توسعه شاخص‌های ترکیبی پایداری معیشت (Composite Livelihood Indices) است که با استفاده از تکنیک‌هایی مانند تحلیل عاملی، AHP، TOPSIS و شاخص‌های امنیت معیشتی طراحی شده‌اند. این شاخص‌ها امکان رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها و شناسایی نواحی آسیب‌پذیر را فراهم می‌کنند (Tiyndel et al., 2025; Guo et al., 2023). چنین رویکردهایی نشان می‌دهند که سنجش پایداری معیشت تنها با تحلیل یک یا دو متغیر امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند درک ساختار چندسطحی سرمایه‌هاست. این تحول روش‌شناختی، ادبیات معیشت پایدار را از سطح توصیفی به سطح تحلیلی و سیاست‌گذاری محور ارتقاء داده است.

در ادبیات بین‌المللی، تأکید فراوانی بر نقش سرمایه‌ها در ایجاد تاب‌آوری در برابر شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی شده است. به‌طور خاص، تحقیقات FAO (۲۰۲۰) و UNDP (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که توانمندسازی روستاییان از طریق بهبود سطح دانش، مهارت‌ها، دسترسی به بازار، اعتبارات مالی و منابع طبیعی، موجب ارتقاء سطح معیشت و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر تغییرات اقلیمی و نوسانات اقتصادی می‌شود. همچنین تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاها ارتباط مستقیمی با سطح پایداری معیشت دارد.

در موج جدید پژوهش‌ها، رابطه میان پایداری معیشت و تغییرات اقلیمی جایگاه برجسته‌ای یافته است. مطالعات نشان می‌دهند که تغییرات اقلیمی نه تنها سرمایه طبیعی را تهدید می‌کند، بلکه از طریق کاهش تولید و درآمد، سرمایه مالی و انسانی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد و در بلندمدت موجب تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود (Zewdu et al., 2025). تحلیل‌های سیستماتیک اخیر تأکید دارند که تاب‌آوری معیشتی وابسته به ظرفیت انطباق (Adaptive Capacity) است که خود حاصل تعامل سرمایه انسانی، اجتماعی و نهادی است (Amaliah et al., 2025). در این چارچوب، مفهوم «تاب‌آوری معیشت» به‌عنوان امتداد نظری رویکرد معیشت پایدار مطرح شده و بر توانایی سیستم‌های روستایی برای بازگشت به تعادل یا سازگاری با شرایط جدید تأکید دارد.

موضوع دیگری که در ادبیات نوین برجسته شده، ارتباط میان پایداری معیشت و مهاجرت روستایی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ضعف در سرمایه‌های مالی و فیزیکی، به‌ویژه در مناطق نیمه‌خشک، یکی از عوامل اصلی مهاجرت روستاییان به شهرهاست. در مقابل، تنوع‌بخشی معیشتی و دسترسی به فرصت‌های غیرکشاورزی می‌تواند از مهاجرت اجباری جلوگیری کند و پایداری سکونتگاه‌های روستایی را افزایش دهد (Morse, 2025). تنوع‌بخشی معیشت (Livelihood Diversification) نیز به‌عنوان یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های اخیر مطرح شده است.

مطالعات بیان می‌کنند که خانوارهایی که علاوه بر کشاورزی در فعالیتهای مکمل مانند صنایع دستی، خدمات محلی، گردشگری روستایی یا مشاغل خرد مشارکت دارند، در برابر شوک‌های اقتصادی مقاوم‌تر هستند (Der Tambile et al., 2024).

در کنار این تحولات، نقش حکمرانی محلی و نهادهای توسعه‌ای در شکل‌دهی به سرمایه‌های معیشتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی، شفافیت نهادی و مشارکت اجتماعی می‌تواند به‌طور مستقیم بر دسترسی به منابع مالی، خدمات عمومی و فرصت‌های توسعه‌ای اثر بگذارد (Natarajan et al., 2022). ضعف در ساختارهای نهادی ممکن است حتی در صورت وجود منابع طبیعی کافی، منجر به ناکارآمدی و ناپایداری معیشتی شود. از همین رو، بسیاری از پژوهش‌های جدید، سرمایه‌های نهادی را مکمل سرمایه‌های پنج‌گانه کلاسیک معرفی می‌کنند. همچنین پیوند میان فقر چندبعدی و پایداری معیشت در مطالعات اخیر برجسته شده است. تحلیل‌های جدید نشان می‌دهند که فقر تنها کمبود درآمد نیست، بلکه ترکیبی از محرومیت‌های آموزشی، بهداشتی، زیرساختی و اجتماعی است که مستقیماً با ضعف سرمایه‌های معیشتی مرتبط است. از این منظر، سنجش پایداری معیشت می‌تواند ابزاری برای تحلیل فقر چندبعدی در سکونتگاه‌های روستایی باشد.

در ایران نیز مطالعات متعددی در حوزه معیشت پایدار انجام شده است. جلالی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که کاهش منابع آبی، تغییرات اقلیمی و عدم دسترسی کافی به منابع مالی و فنی از مهم‌ترین موانع تحقق معیشت پایدار در روستاهای ایران است. عباسی و همکاران (۱۳۹۸) بر اهمیت سرمایه انسانی و اجتماعی، به‌ویژه آموزش‌های تخصصی و مشارکت محلی تأکید کردند. عزیزی و همکاران (۱۳۹۶) نیز نقش سرمایه اجتماعی در افزایش اثربخشی طرح‌های توسعه‌ای را برجسته کردند. احمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی میدانی در استان زنجان نشان داد که نابرابری در دسترسی به خدمات زیربنایی و اعتبارات کشاورزی موجب تفاوت معنادار در وضعیت معیشتی خانوارها شده است. در استان زنجان و به‌ویژه شهرستان ابهر، که اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی و دامداری است، چالش‌هایی نظیر کاهش منابع آبی، افت کیفیت اراضی، افزایش هزینه‌های نهاده‌ها و ضعف حمایت‌های بیمه‌ای، پایداری معیشت روستاییان را

تهدید می‌کند. آمارهای رسمی نیز حاکی از آن است که علی‌رغم پیشرفت‌هایی مانند گازرسانی (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، ضعف در حمل‌ونقل، بازار فروش، خدمات درمانی و فرصت‌های اشتغال غیرفصلی همچنان پابرجاست.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه چارچوب معیشت پایدار به‌طور گسترده به‌کار گرفته شده، اما اغلب مطالعات یا به بررسی یک یا دو مؤلفه پرداخته‌اند یا در مقیاس‌های کلان انجام شده‌اند. خلأ اصلی، نبود پژوهش‌های تحلیلی و تطبیقی در سطح سکونتگاه‌های یک منطقه مشخص همچون شهرستان ابهر است که بتواند سطح برخورداری سرمایه‌های معیشتی و تأثیر آن‌ها بر وضعیت پایداری معیشت را به‌صورت جامع بررسی کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب معیشت پایدار و روش‌های آماری مقایسه‌ای، تلاش می‌کند تصویری روشن از سطح سرمایه‌های معیشتی در روستاهای ابهر ارائه داده و الگوهای معیشتی را شناسایی کند. این رویکرد می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر توسعه روستایی و تخصیص هدفمند منابع بر اساس اولویت‌های واقعی منطقه فراهم آورد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد و از منظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی محسوب می‌شود. چارچوب تحلیلی تحقیق مبتنی بر رویکرد معیشت پایدار (Sustainable Livelihoods Approach) است و هدف آن ارزیابی و تحلیل وضعیت پایداری معیشت در سکونتگاه‌های روستایی از طریق بررسی سرمایه‌های پنج‌گانه معیشتی شامل سرمایه طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی می‌باشد. این چارچوب امکان تحلیل چندبعدی و سیستماتیک وضعیت معیشت را فراهم می‌آورد و با بهره‌گیری از شاخص‌های کمی، امکان رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها از نظر سطح پایداری را ایجاد می‌کند (Scoones, 1998; DFID, 1999; Yenikalayci & Kayasu, 2025).

این تحقیق به‌صورت مطالعه موردی (Case Study) بر روی ۵ روستای منتخب در بخش مرکزی شهرستان ابهر انجام شده است. بنابراین، جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان این ۵ روستای مورد مطالعه (چشین، عباس‌آباد، قفس‌آباد، میمون‌دره و قزلجه) است که مجموع جمعیت آن‌ها برابر با ۲۳۷۰ نفر می‌باشد. با توجه به محدودیت منابع و برای حصول اطمینان از دقت تحلیل، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع محدود (N=2370) تعیین شد. با اعمال سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۵ درصد، حجم نمونه نهایی برابر با ۳۳۰ نفر محاسبه گردید. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای - تصادفی با تخصیص متناسب جمعیت در سطح این ۵ روستا انجام گرفت؛ بدین صورت که ابتدا هر یک از روستاها به‌عنوان یک طبقه آماری تعریف شدند، سهم هر طبقه بر اساس جمعیت آن تعیین گردید و نمونه‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند.

$$N = \frac{n}{1 + \frac{n-1}{N}} = \frac{384}{1 + \frac{384-1}{2370}} = 330n = \frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (1-0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای-تصادفی با تخصیص متناسب جمعیت روستاها انجام گرفت؛ بدین صورت که ابتدا روستاها به‌عنوان طبقات آماری تعریف شدند، سهم هر طبقه بر اساس جمعیت آن تعیین گردید و نمونه‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. این روش علاوه بر افزایش دقت آماری، امکان تعمیم‌پذیری نتایج به کل سکونتگاه‌ها را فراهم می‌کند. انتخاب واحدهای نمونه با هدف انعکاس تنوع ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی روستاها انجام شد، به‌گونه‌ای که نمونه شامل سکونتگاه‌هایی با جمعیت متفاوت و وضعیت اقتصادی متنوع باشد تا تحلیل‌ها جامع و نماینده جامعه آماری باشد.

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده از ادبیات نظری و مطالعات تجربی معیشت پایدار طراحی شد. پرسشنامه شامل گویه‌هایی برای سنجش سرمایه‌های پنج‌گانه معیشت (طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی) است و پاسخ‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) ثبت شد تا قابلیت تحلیل کمی و مقایسه‌پذیری فراهم گردد.

داده‌ها از سه مسیر جمع‌آوری شدند:

مطالعات کتابخانه‌ای و مستندات ادبیاتی: استخراج شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط با سرمایه‌های معیشتی و چارچوب نظری؛

پرسشنامه میدانی: جمع‌آوری داده‌های کمی از روستاها؛

مصاحبه با افراد مطلع و مشاهده میدانی: صحت‌سنجی داده‌ها، تکمیل اطلاعات و ارزیابی شرایط واقعی سکونتگاه‌ها.

شاخص‌ها و گویه‌های پرسشنامه بر اساس قابلیت عملیاتی‌سازی، مقایسه‌پذیری و تحلیل کمی انتخاب شدند تا بتوان اثر هر سرمایه بر پایداری معیشت را به‌طور دقیق ارزیابی نمود.

روایی و پایایی ابزار

برای بررسی روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه در اختیار جمعی از اساتید و کارشناسان حوزه توسعه روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار گرفت و اصلاحات لازم اعمال شد.

برای ارزیابی پایایی ابزار، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که مقادیر آلفا برای کل پرسشنامه و ابعاد اصلی سرمایه‌ها بیش از ۰٫۸ است، که نشان‌دهنده انسجام درونی مناسب و قابلیت اعتماد بالا برای استفاده در تحلیل‌های کمی است.

روش تحلیل داده‌ها

به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی، از شاخص‌هایی مانند میانگین و ضریب تغییرات (CV) برای بررسی وضعیت و پراکندگی سرمایه‌های معیشتی استفاده گردید.

برای محاسبه شاخص ترکیبی سرمایه‌های معیشتی، با توجه به اینکه تمامی گویه‌ها در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱ تا ۵) اندازه‌گیری شده‌اند و دارای مقیاس یکسان هستند، نیازی به نرمال‌سازی داده‌ها وجود نداشت. بنابراین، شاخص هر یک از سرمایه‌های معیشتی از طریق میانگین‌گیری از گویه‌های مربوطه محاسبه شد و شاخص کل معیشت نیز به‌صورت میانگین سرمایه‌های پنج‌گانه به دست آمد.

در بخش تحلیل استنباطی، به‌منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین شاخص‌های معیشتی با مقدار مبنا (عدد ۳ در طیف لیکرت)، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد. با وجود انحراف نسبی داده‌ها از توزیع نرمال، با توجه به حجم بالای نمونه (۳۳۰ نفر) و بر اساس قضیه حد مرکزی، استفاده از آزمون پارامتریک T قابل توجیه است. به‌منظور افزایش اطمینان از نتایج، آزمون ناپارامتریک ویل‌کاکسون نیز به‌صورت مکمل مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین برای بررسی روابط بین سرمایه‌های معیشتی و شاخص کل معیشت از ضریب همبستگی پیرسون و به‌منظور تعیین میزان تأثیر هر یک از سرمایه‌ها از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

به‌طور کلی، این روش تحقیق امکان بررسی جامع و چندبعدی وضعیت پایداری معیشت در سکونتگاه‌های روستایی را فراهم می‌آورد. این رویکرد نه تنها وضعیت سرمایه‌های پنج‌گانه را به‌صورت کمی تحلیل می‌کند، بلکه تعامل میان آن‌ها، تنوع درآمدی و ظرفیت تاب‌آوری سکونتگاه‌ها را نیز مشخص می‌سازد. استفاده از نمونه‌گیری تصادفی با تخصیص متناسب جمعیت و تحلیل شاخص ترکیبی، سطح علمی و قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج را برای پژوهش‌های کاربردی توسعه روستایی افزایش می‌دهد.

محدوده مورد مطالعه



این پژوهش در پنج روستای منتخب از شهرستان ابهر در استان زنجان انجام شده است؛ روستاهای میموندره، عباس آباد، قفس آباد، قزلجه و چشین. این روستاها در بخش مرکزی شهرستان ابهر قرار دارند و به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی، نمونه‌ای شاخص از مناطق روستایی نیمه‌خشک در شمال غرب ایران به شمار می‌آیند.

شهرستان ابهر در جنوب شرقی استان زنجان واقع شده و دارای اقلیم نیمه‌خشک با زمستان‌های سرد و تابستان‌های نسبتاً گرم است. متوسط بارندگی سالانه در این منطقه کمتر از ۳۰۰ میلی‌متر است که نشان‌دهنده محدودیت منابع آبی و وابستگی شدید نظام معیشتی روستاها به منابع آب سطحی و زیرزمینی است. از نظر جغرافیای انسانی، جمعیت اغلب این روستاها ترکیبی از خانوارهای کشاورز، دامدار و نیروی کار فصلی است که ساختار معیشتی‌شان به شدت به زمین، آب و حمایت‌های دولتی وابسته است. روستای میموندره به‌عنوان بزرگ‌ترین روستای محدوده با بیشترین تعداد پاسخ‌دهنده، تنوع شغلی بیشتری دارد، در حالی که قزلجه و چشین از نظر جمعیت محدودتر و ساختار اقتصادی سنتی‌تری دارند.

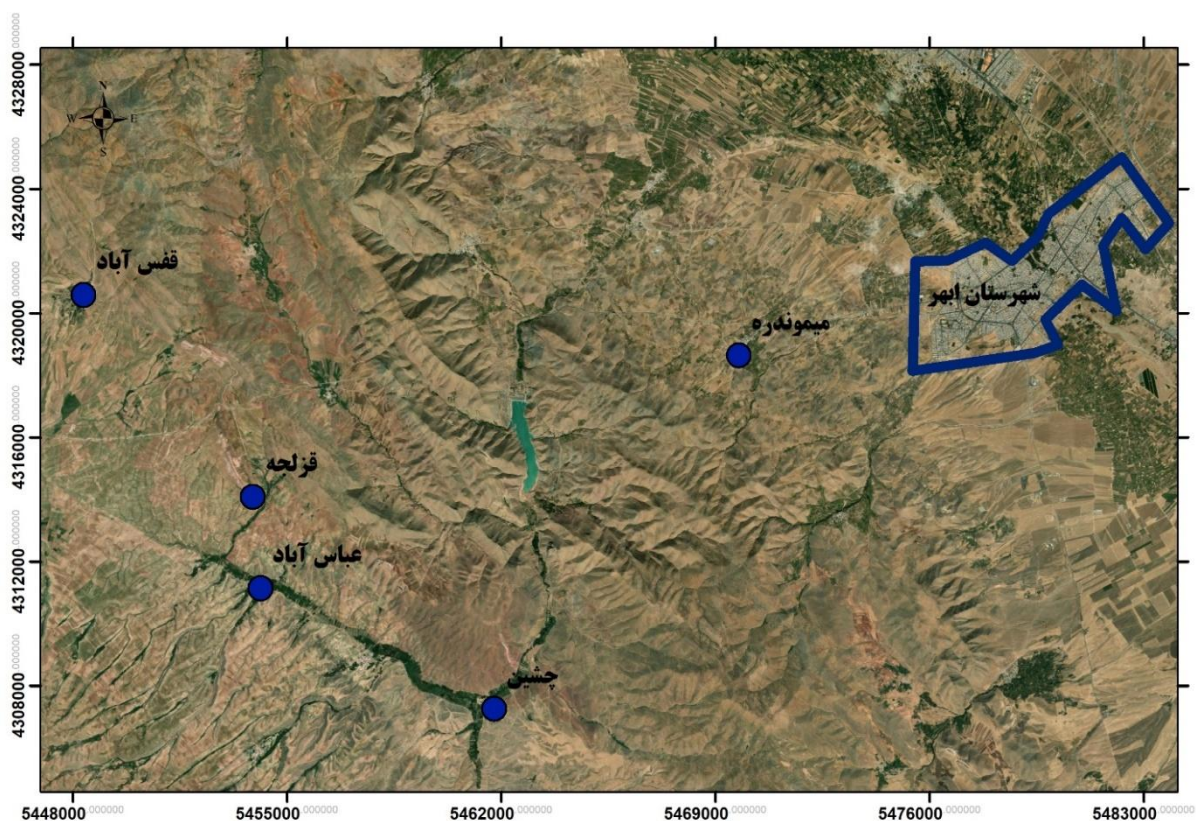
جدول ۲. طبقه‌بندی روستاهای مورد مطالعه شهرستان ابهر

| ردیف | نام | دهستان | بخش | خانوار | جمعیت | اولویت اقتصادی | نمونه |
|------|-----------|-----------|-------|--------|-------|---------------------------|-------|
| ۱ | چشین | دولت آباد | مرکزی | ۷۰ | ۲۳۶ | باغداری، کشاورزی، دامداری | ۳۳ |
| ۲ | عباس آباد | ابهرود | مرکزی | ۹۸ | ۵۰۵ | باغداری، کشاورزی، دامداری | ۷۰ |
| ۳ | قفس آباد | ابهرود | مرکزی | ۹۹ | ۴۳۵ | باغداری، کشاورزی، دامداری | ۶۱ |
| ۴ | میمون دره | ابهرود | مرکزی | ۲۵۲ | ۱۰۲۸ | باغداری، کشاورزی، دامداری | ۱۴۳ |
| ۵ | قزلجه | ابهرود | مرکزی | ۴۸ | ۱۶۶ | باغداری، کشاورزی، دامداری | ۲۳ |
| ۶ | جمع | | | ۵۶۷ | ۲۳۷۰ | - | ۳۳۰ |

از نظر زیرساختی، تفاوت‌هایی میان این روستاها وجود دارد؛ به‌عنوان نمونه، دسترسی به اینترنت، جاده آسفالت و مراکز بهداشت در روستاهای بزرگ‌تر مانند میموندره و عباس آباد بیشتر است. اما در مقابل، در روستاهایی چون قزلجه یا قفس آباد، برخی از زیرساخت‌ها هنوز با چالش‌هایی مواجه هستند.

دلیل انتخاب این پنج روستا برای مطالعه، تنوع نسبی در شرایط اکولوژیکی، جمعیتی، اقتصادی و همچنین میزان دسترسی به خدمات است. این تنوع، امکان مقایسه و تحلیل عمیق‌تری از وضعیت پایداری معیشت در محیط‌های روستایی با ویژگی‌های متفاوت را فراهم می‌سازد.

همچنین، نزدیکی این روستاها به مراکز شهری نظیر شهر ابهر، فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای معیشت پایدار ایجاد کرده است؛ از یک‌سو، امکان دسترسی به بازار و خدمات فراهم شده، و از سوی دیگر، مهاجرت، کاهش نیروی کار فعال، و فشار بر منابع طبیعی همچون زمین کشاورزی افزایش یافته است. در مجموع، این محدوده نمونه‌ای مناسب برای تحلیل‌های ترکیبی (طبیعی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی) درباره پایداری معیشت در مناطق روستایی ایران است و یافته‌های آن می‌تواند در سیاست‌گذاری توسعه روستایی کاربرد عملی داشته‌باشد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

یافته‌های توصیفی

در این تحقیق، به منظور بررسی وضعیت معیشت پایدار در پنج روستای منتخب شهرستان ابهر، تعداد ۳۳۰ پرسشنامه به‌صورت میدانی تکمیل گردید. توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس روستاهای مورد مطالعه در جدول شماره (۲) ارائه

شده است. تلاش شد با نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن تنوع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی روستاها، تصویری نسبتاً جامع از ترکیب جمعیت محلی به دست آید.

از مجموع پاسخ‌دهندگان، ۲۲۱ نفر مرد (معادل ۶۷٪) و ۱۰۹ نفر زن (۳۳٪) بودند. این ترکیب جنسیتی تا حدودی منعکس‌کننده الگوی اجتماعی غالب در روستاهاست که در آن حضور و مشارکت مردان در مسائل رسمی، مانند پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها و فرآیندهای جمع‌آوری داده، پررنگ‌تر است. با این حال، حضور ۳۳ درصدی زنان نیز نشان می‌دهد که زنان در برخی از روستاها نقش فعالی در مدیریت یا شناخت مسائل معیشتی خانوار دارند.

از منظر ترکیب سنی، بخش عمده‌ای از پاسخ‌دهندگان در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. این گروه سنی، معمولاً به عنوان نیروی فعال اقتصادی در روستا شناخته می‌شود و نظرات آنان از اعتبار بالایی برخوردار است، چرا که هم با مسائل تولید و درآمد خانوار درگیرند و هم به تحولات اجتماعی و محیطی آگاهی دارند. سهم کمتر گروه‌های سنی پایین‌تر (زیر ۳۰ سال) و بالاتر (بالای ۵۰ سال) می‌تواند ناشی از مهاجرت، کم‌تحركی یا مشارکت کمتر در فرآیند تحقیق باشد.

بررسی وضعیت تحصیلات نشان داد که بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات ابتدایی (حدود ۳۰٪) بوده‌اند. پس از آن، دیپلم (۲۴٪) و در رده‌های بعدی افراد بی‌سواد (۲۳٪) و دارای تحصیلات دانشگاهی (۲۳٪) قرار دارند. این ترکیب تحصیلی نشان‌دهنده شرایط متنوع سواد در بین خانوارهای روستایی است؛ به‌ویژه اینکه سهم نسبتاً بالای تحصیلات دانشگاهی می‌تواند بیانگر روندهای جدید در توسعه انسانی در برخی روستاها باشد، در حالی که سهم بالای بی‌سوادی همچنان یکی از چالش‌های جدی برای توانمندسازی معیشتی در برخی مناطق محسوب می‌شود.

در زمینه وضعیت اشتغال نیز، بیشترین درصد به شغل کشاورزی (۳۲٫۲٪) اختصاص داشت که نشان‌دهنده وابستگی مستقیم معیشت خانوارها به منابع زمین و تولیدات زراعی است. در ادامه، دامداری (۲۵٫۳٪) به عنوان دومین منبع اشتغال مهم در روستاها مطرح است. سایر مشاغل نظیر آزاد، کارمندی (هرکدام ۱۳٫۸٪) و بیکاری (۱۴٫۹٪) نیز سهم قابل توجهی دارند که نشان‌دهنده تنوع نسبی فعالیت‌های اقتصادی و در عین حال، چالش‌هایی همچون اشتغال‌ناپایدار یا ناکارآمدی فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی است.

بررسی وضعیت سکونت در روستا نیز حاکی از آن است که بیش از دوسوم پاسخ‌دهندگان سابقه‌ی اقامت بیش از ۱۰ سال در محل زندگی خود دارند. چنین ثباتی در اقامت نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان از تجربه و آگاهی کافی نسبت به شرایط زندگی، تغییرات زیست‌محیطی، وضعیت زیرساخت‌ها و فرآیندهای تولید و معیشت برخوردار بوده‌اند؛ و همین امر داده‌های حاصل از این مطالعه را از نظر کیفی معتبرتر و قابل اتکاتر می‌سازد.

یافته‌ها

برای بررسی وضعیت معیشت پایدار در روستاهای مطالعه‌شده، میانگین هر یک از پنج سرمایه (طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی) برای هر روستا محاسبه شد و شاخص کل معیشت به عنوان میانگین همه سرمایه‌ها تعیین گردید. این مقادیر نشان‌دهنده توانمندی و ضعف هر روستا در ابعاد مختلف معیشت است و امکان مقایسه میان روستاها را فراهم می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌های فیزیکی و مالی در اکثر روستاها بالاترین میانگین را دارند و نقش مهمی در معیشت خانوارها ایفا می‌کنند. سرمایه‌های انسانی، طبیعی و اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند اما تفاوت‌های قابل توجهی بین روستاها مشاهده شد.

میانگین کل سرمایه‌ها:

روستای قفس‌آباد با میانگین کل ۳,۰۱ در سطح پایدار قرار دارد.

روستاهای چشین، عباس‌آباد و میموندره با میانگین‌های بین ۲,۹۵ تا ۳,۰۰ در سطح متوسط قرار دارند.

روستای قزلجه با میانگین ۲,۷۰ در سطح ناپایدار قرار گرفته است.

این شاخص‌ها نشان می‌دهد که هر روستا نقاط قوت و ضعف متفاوتی در سرمایه‌های پنجگانه دارد و تحلیل‌های بعدی می‌تواند بر اساس این داده‌ها انجام شود.

جدول ۲. میانگین سرمایه‌ها و شاخص کل معیشت هر روستا

| میانگین کل سرمایه | سرمایه مالی | سرمایه اجتماعی | سرمایه انسانی | سرمایه فیزیکی | سرمایه طبیعی | |
|-------------------|-------------|----------------|---------------|---------------|--------------|-----------|
| ۲,۹۳ | ۳ | ۲,۸۰ | ۲,۸۵ | ۳ | ۲,۸۰ | چشین |
| ۲,۸۷ | ۲,۹۵ | ۲,۸۲ | ۲,۸۲ | ۲,۹۸ | ۲,۷۸ | عباس‌آباد |
| ۳,۰۱ | ۳,۰۲ | ۲,۹۲ | ۲,۹۰ | ۳,۱۰ | ۲,۸۵ | قفس‌آباد |
| ۲,۹۸ | ۳,۰۱ | ۲,۹۰ | ۲,۹۳ | ۲,۹۵ | ۲,۸۲ | میموندره |
| ۲,۷۵ | ۲,۸۰ | ۲,۷۰ | ۲,۷۵ | ۲,۸۵ | ۲,۶۵ | قزلجه |

برای تحلیل دقیق‌تر وضعیت معیشت، سرمایه‌ها بر اساس نوع و اهمیت آن‌ها در هر روستا طبقه‌بندی شدند. پنج سرمایه بررسی شده شامل طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی است. این طبقه‌بندی امکان می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف هر روستا در هر بعد معیشت مشخص شود و سیاست‌گذاری‌ها هدفمندتر انجام شود.

سرمایه‌های فیزیکی و مالی به دلیل میانگین بالاتر و دسترسی نسبی بهتر خانوارها، در اغلب روستاها اهمیت بیشتری دارند و به عنوان اولویت اصلی در ارتقاء معیشت پایدار معرفی می‌شوند.

سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی با میانگین متوسط، همچنان نیازمند تقویت و سرمایه‌گذاری بیشتر هستند.

تفاوت میان روستاها در هر سرمایه قابل توجه است و نشان‌دهنده پراکندگی منابع و فرصت‌هاست.

طبقه‌بندی میانگین سرمایه‌ها و CV

برای تحلیل همگنی سرمایه‌ها، ضریب تغییرات (CV) هر سرمایه در هر روستا محاسبه شد. مقادیر CV نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها و نوسانات سرمایه‌ها بین خانوارهاست. اعداد CV به درصد تبدیل و مقایسه شدند تا میزان یکنواختی یا تفاوت سرمایه‌ها روشن شود.

CV محاسبه شده برای سرمایه‌ها بین ۱۴٪ تا ۲۱٪ بود که نشان‌دهنده تفاوت متوسط در پراکندگی سرمایه‌ها است.

سرمایه‌های فیزیکی و مالی دارای کمترین CV هستند که نشان می‌دهد وضعیت آن‌ها در روستاها نسبتاً یکنواخت است.

سرمایه‌های طبیعی و انسانی CV بالاتری دارند که بیانگر نوسانات و تفاوت بیشتر در دسترسی و بهره‌گیری از این منابع در میان خانوارهاست.

جدول ۳. ضریب تغییرات (CV) سرمایه‌های پنج‌گانه در هر روستا

| سرمایه مالی | سرمایه اجتماعی | سرمایه انسانی | سرمایه فیزیکی | سرمایه طبیعی | |
|-------------|----------------|---------------|---------------|--------------|-----------|
| ۱۹ | ۱۶ | ۲۰ | ۱۸ | ۱۵ | چشین |
| ۱۸ | ۱۵ | ۱۹ | ۱۷ | ۱۶ | عباس‌آباد |
| ۱۶ | ۱۴ | ۱۷ | ۱۵ | ۱۴ | قفس‌آباد |
| ۱۷ | ۱۵ | ۱۸ | ۱۶ | ۱۵ | میموندره |
| ۲۱ | ۲۰ | ۲۱ | ۱۹ | ۲۱ | قزلجه |

بر اساس جدول، مشاهده می‌شود:

CV پایین‌تر (۱۶-۱۴) در روستاهایی مانند قفس‌آباد و میموندره نشان‌دهنده ثبات نسبی سرمایه‌ها و پراکندگی کمتر داده‌هاست، که حاکی از توزیع یکنواخت منابع و قابلیت مدیریت معیشت است.

CV بالاتر (۲۱-۱۹) در قزلجه نشان‌دهنده ناپایداری سرمایه‌ها و پراکندگی شدید میان خانوارهاست، که با محدودیت منابع، نرخ پایین اشتغال و کمبود امکانات آموزشی و مالی در این روستا همخوانی دارد.

میانگین CV سرمایه انسانی و مالی در اکثر روستاها بالاتر از سایر سرمایه‌ها است، که نشان می‌دهد این دو سرمایه بیشترین پراکندگی را دارند و نیاز به تمرکز سیاستگذاری برای بهبود ثبات و توزیع آنها وجود دارد.

سرمایه طبیعی و اجتماعی در اکثر روستاها CV پایین‌تری دارند و نسبتاً پایدار ارزیابی شده‌اند، به‌ویژه در چشین و قفس آباد که منابع طبیعی و شبکه‌های اجتماعی مستقر و یکنواخت هستند.

تحلیل آزمون‌های آماری و رتبه بندی سرمایه‌ها

به‌منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین سرمایه‌های معیشتی با مقدار مبنا (عدد ۳ در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت)، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد. پیش از انجام آزمون، نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان‌دهنده انحراف نسبی از توزیع نرمال بود. با این حال، با توجه به حجم بالای نمونه (۳۳۰ نفر) و بر اساس قضیه حد مرکزی، استفاده از آزمون پارامتریک T تک‌نمونه‌ای قابل توجیه است. به‌منظور افزایش دقت و اطمینان از نتایج، آزمون ناپارامتریک ویل کاکسون نیز به‌صورت مکمل انجام شد که نتایج آن با آزمون T همسو بود.

جدول ۴. رتبه بندی کلی وضعیت پایداری سرمایه‌های معیشت خانوارهای روستایی

| رتبه | وضعیت کلی پایداری | t | Sig(p-value) | میانگین | سرمایه |
|------|-------------------|-------|--------------|---------|--------------|
| ۱ | نسبتاً پایدار | -۴,۲۵ | ۰,۰۰۳ | 2.98 | فیزیکی |
| ۲ | نسبتاً پایدار | ۰ | ۰,۰۰۳ | 2.96 | مالی |
| ۳ | متوسط | -۳,۱۰ | ۰,۰۰۱ | ۲,۸۳ | انسانی |
| ۴ | متوسط | -۴ | ۰,۰۰۱ | ۲,۸۰ | طبیعی |
| ۵ | متوسط | ۰ | ۰,۰۰۱ | ۲,۸۰ | اجتماعی |
| - | - | -۳,۷۵ | ۰,۰۰۱ | ۲,۸۵ | کل سرمایه‌ها |

نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد میانگین برخی از سرمایه‌های معیشتی دارای تفاوت معنادار با مقدار مبنا (۳) است ($p < 0.05$). به‌طور مشخص، سرمایه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی و شاخص کل سرمایه‌ها دارای میانگینی کمتر از مقدار مبنا هستند که نشان‌دهنده فاصله این ابعاد از وضعیت مطلوب است. در مقابل، برای سرمایه‌های فیزیکی و مالی، اگرچه نتایج آزمون ($p < 0.05$) نشان‌دهنده تفاوت معنادار آماری با مقدار مبنا است (که این امر تا حدودی ناشی از حساسیت آزمون به حجم بالای نمونه است)، اما با توجه به نزدیکی بسیار زیاد میانگین واقعی آن‌ها به عدد ۳ (همانطور که در جدول پیش از گرد کردن مشخص است)، از نظر کاربردی در سطح متوسط و نسبتاً پایداری ارزیابی می‌شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه وضعیت کلی معیشت در روستاهای مورد مطالعه در سطح متوسط قرار دارد، اما برخی از ابعاد سرمایه‌های معیشتی، به‌ویژه سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی، نیازمند توجه و تقویت بیشتری هستند. همچنین همسویی نتایج آزمون ویل کاکسون با آزمون T، اعتبار نتایج به‌دست‌آمده را تأیید می‌کند.

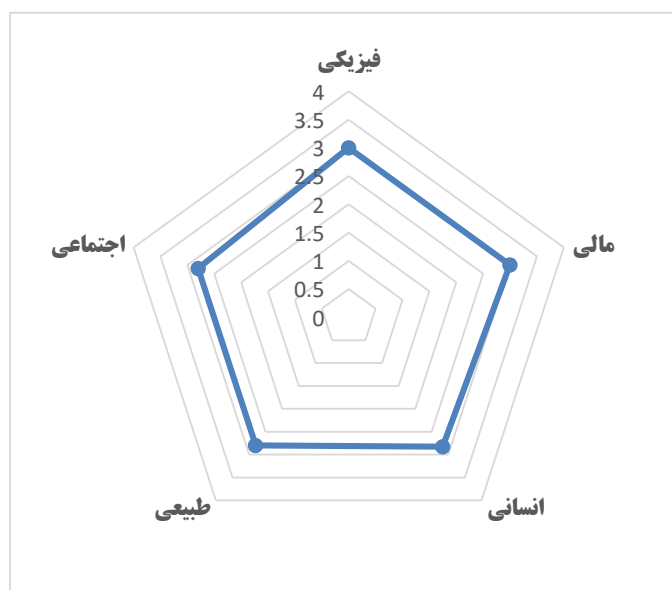
تحلیل همبستگی و رگرسیون سرمایه‌های معیشتی

به منظور بررسی روابط میان سرمایه‌های معیشتی و شاخص کل معیشت پایدار، ابتدا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد تمامی سرمایه‌های پنج‌گانه دارای رابطه مثبت و معنادار با شاخص کل معیشت هستند ($p < 0.05$). بیشترین ضریب همبستگی مربوط به سرمایه مالی ($r = 0.84$) و سرمایه فیزیکی ($r = 0.82$) است که بیانگر ارتباط قوی این دو بعد با وضعیت کلی معیشت در روستاهای مورد مطالعه است. سرمایه انسانی ($r = 0.79$)، سرمایه اجتماعی ($r = 0.74$) و سرمایه طبیعی ($r = 0.68$) نیز دارای رابطه مثبت و معنادار با شاخص کل هستند که نشان‌دهنده نقش این ابعاد در ساختار معیشتی خانوارهای روستایی است.

به منظور تعیین میزان تأثیر هر یک از سرمایه‌ها بر شاخص کل معیشت پایدار، از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. در این مدل، شاخص کل معیشت به عنوان متغیر وابسته و سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی به عنوان متغیرهای مستقل وارد تحلیل شدند. نتایج نشان داد ضریب تعیین مدل برابر با ۰٫۷۶ است؛ به این معنا که ۷۶ درصد از تغییرات شاخص کل معیشت توسط سرمایه‌های پنج‌گانه تبیین می‌شود که بیانگر قدرت توضیحی مناسب مدل است. بررسی ضرایب بتای استاندارد شده نشان داد سرمایه مالی با ضریب بتای ۰٫۳۴ بیشترین اثر را بر شاخص کل معیشت دارد و پس از آن سرمایه فیزیکی با ضریب ۰٫۲۹ در رتبه دوم قرار می‌گیرد. همچنین سرمایه انسانی ($Beta = 0.21$)، سرمایه اجتماعی ($Beta = 0.16$) و سرمایه طبیعی ($Beta = 0.11$) نیز دارای اثر مثبت و معنادار بر شاخص کل معیشت هستند ($p < 0.05$). این نتایج نشان می‌دهد که اگرچه تمامی ابعاد سرمایه‌های معیشتی در بهبود وضعیت معیشت نقش دارند، اما سرمایه‌های مالی و فیزیکی از نظر میزان تأثیرگذاری نقش برجسته‌تری در تبیین تغییرات شاخص کل معیشت در روستاهای مورد مطالعه دارند. با توجه به نتایج همبستگی، اگرچه بین برخی از متغیرهای مستقل ارتباط نسبتاً بالایی مشاهده می‌شود، اما الگوی ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد هم‌خطی شدید بین متغیرها وجود ندارد و هر یک از سرمایه‌ها نقش متمایزی در تبیین شاخص کل معیشت ایفا می‌کنند.

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندگانه سرمایه‌های معیشتی بر شاخص کل معیشت پایدار

| متغیر مستقل | ضریب بتای استاندارد | سطح معناداری (sig) |
|----------------|---------------------|--------------------|
| سرمایه مالی | ۰٫۳۴ | ۰٫۰۰۱ |
| سرمایه فیزیکی | ۰٫۲۹ | ۰٫۰۰۲ |
| سرمایه انسانی | ۰٫۲۱ | ۰٫۰۰۵ |
| سرمایه اجتماعی | ۰٫۱۶ | ۰٫۰۱۲ |
| سرمایه طبیعی | ۰٫۱۱ | ۰٫۰۴۱ |



نمودار ۱. وضعیت پایداری سرمایه‌های خانوارهای روستایی

نتیجه‌گیری

معیشت پایدار به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات توسعه روستایی، بازتابی از توانایی خانوارها در دسترسی، بهره‌برداری و مدیریت مجموعه‌ای از سرمایه‌های معیشتی شامل سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی است. در این چارچوب، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی وضعیت این سرمایه‌ها و تحلیل نقش آن‌ها در تبیین شاخص کل معیشت پایدار در روستاهای مورد مطالعه شهرستان ابهر انجام شد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین کل سرمایه‌های معیشتی برابر با ۲٫۸۵ است که بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت در محدوده متوسط یا نسبتاً پایدار قرار می‌گیرد. این یافته بیانگر آن است که اگرچه وضعیت معیشت در روستاهای مورد مطالعه در شرایط بحرانی قرار ندارد، اما همچنان فاصله قابل توجهی تا دستیابی به سطح مطلوب پایداری وجود دارد. به عبارت دیگر، ساختار معیشتی موجود از ثبات نسبی برخوردار است، اما این ثبات شکننده بوده و در برابر شوک‌ها و تنش‌های اقتصادی و محیطی آسیب‌پذیر است.

بررسی تفصیلی ابعاد مختلف سرمایه‌های معیشتی نشان داد که تمامی سرمایه‌ها در سطح متوسط قرار دارند، با این حال تفاوت‌هایی در سطح آن‌ها مشاهده می‌شود. سرمایه‌های فیزیکی و مالی در مقایسه با سایر ابعاد، وضعیت نسبتاً بهتری دارند که می‌تواند ناشی از دسترسی نسبی به زیرساخت‌ها، امکانات تولیدی و منابع مالی باشد. در مقابل، سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی در سطوح پایین‌تری قرار دارند که بیانگر محدودیت در مهارت‌ها، دانش،

مشارکت اجتماعی و نیز فشار بر منابع طبیعی است. این عدم توازن نسبی در بین ابعاد مختلف سرمایه‌های معیشتی می‌تواند پایداری بلندمدت معیشت را با چالش مواجه سازد.

نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای نیز نشان داد که میانگین برخی از سرمایه‌های معیشتی، به‌ویژه سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی، به‌طور معناداری کمتر از مقدار مبنا (۳) است. این امر تأکید می‌کند که این ابعاد از سطح مطلوب فاصله داشته و نیازمند توجه جدی در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای هستند. در مقابل، سرمایه‌های فیزیکی و مالی اگرچه از نظر آماری با مقدار مبنا تفاوت معنادار دارند، اما به دلیل نزدیکی مقادیر میانگین آن‌ها به عدد ۳، از نظر کاربردی در سطح متوسط و نزدیک به مبنا ارزیابی می‌شوند؛ هرچند این امر به معنای دستیابی به پایداری کامل در این ابعاد نیست.

از سوی دیگر، نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که تمامی سرمایه‌های معیشتی دارای رابطه مثبت و معنادار با شاخص کل معیشت هستند. این یافته بیانگر آن است که ابعاد مختلف سرمایه‌های معیشتی به‌صورت شبکه‌ای و در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و بهبود یا تضعیف هر یک از آن‌ها می‌تواند بر سایر ابعاد نیز تأثیرگذار باشد. این موضوع اهمیت نگاه سیستمی و یکپارچه به معیشت روستایی را برجسته می‌سازد.

مهم‌تر از آن، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که سرمایه‌های مالی و فیزیکی بیشترین نقش را در تبیین تغییرات شاخص کل معیشت دارند. این یافته نشان‌دهنده آن است که در شرایط فعلی، ابعاد اقتصادی و زیرساختی نقش تعیین‌کننده‌تری در بهبود وضعیت معیشت ایفا می‌کنند. با این حال، تأکید صرف بر این ابعاد بدون توجه به سایر سرمایه‌ها می‌تواند منجر به ناپایداری در بلندمدت شود، زیرا پایداری واقعی معیشت مستلزم تقویت متوازن تمامی ابعاد سرمایه‌های معیشتی است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که معیشت در روستاهای مورد مطالعه در وضعیت «میانی» قرار دارد؛ وضعیتی که نه کاملاً ناپایدار است و نه به سطح پایداری مطلوب رسیده است. این وضعیت گذار، نیازمند مداخلات هدفمند، هماهنگ و چندبعدی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی است. بر این اساس، سیاست‌های توسعه روستایی باید علاوه بر تقویت سرمایه‌های مالی و فیزیکی، بر ارتقای سرمایه انسانی از طریق آموزش و توانمندسازی، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق افزایش مشارکت و اعتماد، و حفاظت از سرمایه طبیعی از طریق مدیریت پایدار منابع تمرکز یابد.

در نهایت، اتخاذ رویکردی یکپارچه در مدیریت سرمایه‌های معیشتی، که در آن تعامل و هم‌افزایی میان ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح معیشت، افزایش تاب‌آوری در برابر شوک‌ها و حرکت به سوی پایداری واقعی در نواحی روستایی باشد.

راهکارها و پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش و تفاوت‌های معنادار در سطح سرمایه‌های معیشتی روستاهای مورد مطالعه، برنامه‌ریزی توسعه روستایی باید از رویکردهای کلی‌نگر فاصله گرفته و راهکارهای مکان‌محور متناسب با شرایط خاص هر روستا ارائه دهد. در این راستا و بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر تفکیک می‌گردد:

روستای قزلجه: با توجه به قرارگیری در پایین‌ترین سطح از نظر شاخص کل پایداری (۲,۷۰) و به‌ویژه ضعف مشهود در سرمایه اجتماعی (۲,۷۰) و انسانی، تأسیس و فعال‌سازی شوراهای محلی تعاونی محور، تشویق مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد صندوق‌های خرد اعتباری روستایی برای جبران ضعف‌های مالی و انسجام بخشی اجتماعی در اولویت قرار دارد.

روستای چشین و عباس‌آباد: با توجه به پایین بودن سطح سرمایه طبیعی در این روستاها نسبت به سایر ابعاد، اجرای پروژه‌های آبخیزداری، ترویج سیستم‌های آبیاری نوین برای مقابله با کم‌آبی و آموزش کشاورزان در زمینه مدیریت یکپارچه منابع خاک و کشت محصولات مقاوم به خشکی پیشنهاد می‌شود.

روستای میمون‌دره: به‌عنوان بزرگ‌ترین روستای مورد مطالعه با پتانسیل بالای سرمایه انسانی و مالی، توسعه کارگاه‌های صنایع تبدیلی، حمایت از کسب‌وکارهای خرد غیرکشاورزی، و کارآفرینی روستایی (مانند گردشگری روستایی) برای جلوگیری از مهاجرت جوانان و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی توصیه می‌گردد.

روستای قفس‌آباد: با توجه به برخورداری از بالاترین سطح سرمایه فیزیکی (۳,۱۰) و مالی (۳,۰۲)، استفاده از این زیرساخت‌ها برای ایجاد شبکه‌های بازاریابی محصولات، توسعه تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی تجاری سازی شده می‌تواند این روستا را به الگوی توسعه و قطب اقتصادی محلی برای روستاهای اطراف تبدیل کند.

در سطح کلان منطقه نیز، تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و کاهش وابستگی صرف به یک منبع درآمد کشاورزی از طریق توسعه مشاغل مکمل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته، می‌تواند ریسک‌های اقتصادی را به طور چشمگیری کاهش داده و زمینه دستیابی به معیشت پایدار و متوازن را در تمامی روستاهای شهرستان ابهر فراهم آورد.

۱. ارزیابی و اولویت‌بندی معیارها و شاخص‌های معیشت پایدار روستایی ایران با استفاده از روش دلفی، اسحاقی، فاطمه، ۱۳۹۷، نشریه راهبردهای توسعه روستایی.
۲. ارزیابی معیشت پایدار روستایی کشاورزان خرده مالک در ایران، باقرنژاد، جعفر، ۱۴۰۳، نشریه روستا و توسعه.
۳. ارزیابی سرمایه‌های معیشتی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب، دوستی سبزی، بهزاد، سعیدی، عباس، ۱۴۰۱، فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری.
۴. ارزیابی زیست‌پذیری و تاب‌آوری معیشتی روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی با تاکید بر خشکسالی در مناطق روستایی پلدختر، بازوند، سجاد، ۱۴۰۲، نشریه جغرافیا و روابط انسانی.
۵. ارزیابی و اولویت‌بندی معیارها و شاخص‌های معیشت پایدار روستایی ایران با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی. (۱۳۹۹). پژوهشنامه برنامه‌ریزی روستایی.
۶. احمدی، م. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی سرمایه‌های معیشتی در روستاهای شهرستان ابهر. پژوهشنامه علوم اجتماعی و توسعه انسانی
۷. بررسی اثرگذاری دارایی‌های معیشتی بر تنوع معیشت روستاییان شهرستان باوی، حسینی، سیده کوثر، ۱۴۰۲، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. بررسی وضعیت سرمایه‌های معیشت و پایداری آن‌ها در خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان دنا)، شریفی، زینب، ۱۳۹۶، نشریه علوم ترویج و آکوزش کشاورزی ایران.
۹. بهره‌مندی ۹۵٫۷ درصدی خانوارهای روستایی شهرستان ابهر از نعمت گاز (۱۴۰۱). وب‌سایت شرکت گاز استان زنجان.
۱۰. تحلیل فضایی دارایی‌های معیشتی خانوارهای روستایی شهرستان بوئین زهرا، حاجی حسینی، سمیرا، ۱۳۹۷، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی.
۱۱. تحلیل عوامل موثر بر پایداری معیشت در روستاهای شهرستان ساری، شریفی‌نیا، زهرا، ۱۳۹۹، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی.
۱۲. سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان (۱۴۰۱). گزارش سالانه وضعیت کشاورزی و منابع آب در شهرستان ابهر.
۱۳. سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار، سجاسی، حمداله، ۱۳۹۴، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی.

۱۴. سنجش سرمایه‌های معیشتی روستاهای مناطق کوهستانی با رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: دهستان کوه‌شاه، بخش احمدی _ هرمزگان)، بادکوبه، بهروز، قاسمی سیانی، محمد، ۱۳۹۹، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی.
۱۵. شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر معیشت پایدار کشاورزان، دربان آستانه، علیرضا، ۱۳۹۷، نشریه پژوهش‌های روستایی.
۱۶. جلالی، س.، نوروزی، م.، و رستمی، ک. (۱۳۹۴). تحلیل پایداری معیشت خانوارهای روستایی در شرایط کم‌آبی. فصلنامه توسعه روستایی ایران.
۱۷. قاسمی، علی. (۱۴۰۰). اثرات تغییرات اقلیمی بر معیشت پایدار روستاییان ایران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۸(۱)، ۷۵-۹۲.
۱۸. عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی (مورد مطالعه: شهرستان اردبیل)، حیدری ساربان، وکیل، عبدپور، علیرضا، ۱۳۹۷، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی.
۱۹. عباسی، م.، زمانی، ر.، و عسگری، ن. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل مؤثر بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
۲۰. عزیزی، ف.، رحیمی، ش.، و خالقی، ن. (۱۳۹۶). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی. پژوهش‌های توسعه روستایی.
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). گزارش وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاهای کشور.
۲۲. نقش بازاریابی الکترونیکی بر بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان، کریمی، رضوان، صحنه، بهمن، ۱۴۰۰، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.

منابع خارجی

1. Abbasi, M., Karimi, H., & Rahmani, A. (2019). The role of human and social capital in rural livelihood sustainability in Iran. *Journal of Rural Research*, 10(3), 45–62.
2. Ahmadi, S. (2021). Spatial inequality in access to rural services and its impact on livelihood sustainability: A case study of Zanjan Province. *Geographical Research Quarterly*, 36(2), 75–94.
3. Amaliah, R., Nugroho, P., & Suryani, L. (2025). Adaptive capacity and livelihood resilience under climate change stress: A systematic review. *Sustainability*, 17(2), 1145.
4. Azizi, M., Hosseini, S., & Ghadiri, M. (2017). Social capital and its role in rural development planning. *Journal of Rural Development Studies*, 20(1), 23–40.
5. Bebbington, A. (1999). Capitals and capabilities: A framework for analyzing peasant viability. *World Development*, 27(12), 2021–2044.

6. Carney, D. (1998). *Sustainable rural livelihoods: What contribution can we make?* London: DFID.
7. Chambers, R., & Conway, G. (1992). *Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st Century*. Institute of Development Studies (IDS).
8. Der Tambile, A., Mensah, J., & Boateng, F. (2024). Livelihood diversification and household resilience in rural communities. *World Development Perspectives*, 33, 100561.
9. Department for International Development (DFID). (1999). *Sustainable livelihoods guidance sheets*. London: DFID.
10. Ellis, F. (2000). *Rural Livelihoods and Diversity in Developing Countries*. Oxford University Press.
- Gautam, Y., & Andersen, P. (2016). Rural livelihood diversification and household well-being. *Journal of Rural Studies*.
11. FAO (2020). *The State of Food and Agriculture: Overcoming Water Challenges in Rural Development*. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
12. Gautam, Y., & Andersen, P. (2016). Rural livelihood diversification and household well-being. *Journal of Rural Studies*.
13. Ghasempour, A., Mohammadi, R., & Ebrahimi, L. (2024). Assessment of livelihood sustainability in rural settlements of Iran using composite index approach. *Iranian Journal of Rural Planning*, 13(1), 1–20.
14. Guo, Y., Li, X., & Zhang, H. (2023). Measuring rural livelihood sustainability using a composite index approach. *Ecological Indicators*, 148, 110012.
15. Horsley, J. (2015). *Sustainable livelihoods and indicators for regional analysis: Review and evidence*. The Extractive Industries and Society. (Includes analysis of SLF and capitals).
16. Jalali, M., Rezaei, A., & Norouzi, H. (2015). Water scarcity and challenges of sustainable rural livelihoods in Iran. *Journal of Environmental Studies*, 41(4), 89–104.
17. Kamsi, N. S., Radin Firdaus, R. B., Islam Sarker, M. N., & Gunaratne, M. S. (2025). Assessing the Linkages of Livelihood Capitals of Small-Scale Fishermen in Malaysia. *SAGE Open*, 15(2), 1–20.
18. Morse, S., & McNamara, N. (2013). *Sustainable livelihood approach: A critical analysis*. Springer.
19. Morse, S. (2025). Migration, rural transformation and sustainable livelihoods. *Journal of Peasant Studies*, 52(1), 88–107.
20. Natarajan, L., Shaw, A., & Bhide, A. (2022). Governance, institutions and sustainable livelihoods in rural regions. *Development Policy Review*, 40(5), e12615.
21. Ngamwong, D., Phromphakping, B., & Wongchantra, P. (2024). Structural equation modelling of livelihood capitals and rural sustainability. *Sustainability*, 16(3), 2154.

22. Quandt, A. (2018). Measuring livelihood resilience. *Ecology and Society*, 23(2).
23. Rahman, S. (2019). Climate change and livelihood vulnerability. *Sustainability*.
24. Scoones, I. (1998). Sustainable Rural Livelihoods: A Framework for Analysis. IDS Working Paper 72.
25. Serrat, O. (2017). The sustainable livelihoods approach. Knowledge Solutions. Asian Development Bank.
26. UNDP. (2006). Sustainable Livelihoods and Poverty Reduction. New York.
27. Zewdu, T., Bekele, G., & Alemu, D. (2025). Climate variability and livelihood vulnerability in semi-arid rural areas. *Climate and Development*, 17(1), 34–49.